

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۸ اکتوبر ۲۰۲۴



یونس نگاه

پیمان ابراهیم صلح نیاورد، توافقتنامه دوحه نیز شکننده است

در سال ۲۰۲۰ از شمال افریقا تا افغانستان صحبت صلح، مذاکره و تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط به‌رهبری ایالات متحده اوج گرفته بود. صدای انفجار و انتحار هنوز شنیده می‌شد، عساکر و جنگجویان طرف‌های درگیر هنوز در میدان بودند، ولی به‌نظر می‌رسید که میله‌های تفنگ کم‌کم سرد می‌شوند. در همان سال دو توافقتنامه بسیار مشهور از سوی امریکا در تلاش برای توقف منازعات خونین خاورمیانه و افغانستان امضاء شد. یکی به‌تاریخ ۲۹ فبروری با طالبان امضاء شد و عنوانش «موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان» بود. دیگری «توافقتنامه صلح پیمان ابراهیم» بود که به‌تاریخ ۱۵ اگست همان سال بین اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده امضاء شد. عده‌ای این توافق‌نامه‌ها را محصول دیپلماسی ترمپ می‌خواندند، ولی اتفاقات پس از آن نشان داد که هر دو توافقتنامه حاصل تغییر ستراتیژیک در برخورد امریکا و متحدانش نسبت به منطقه خاورمیانه بزرگ بود و حکایت از تلاش آنان برای خاکپوشی منازعات خاورمیانه و انتقال نیرو و منابع به دو محراق دیگر منازعات جهانی داشت: جنوب‌شرق آسیا و شرق اروپا.

امریکا و متحدانش گویا با ضرب‌الاجل تازه‌ای روبه‌رو بودند و باید به‌هر قیمت تنش‌های جاری در خاورمیانه و افغانستان را موقتاً کاهش می‌دادند، از هم‌نیرو تن به سازش‌های به‌ظاهر پرهزینه می‌دادند. از تلاش برای سرنگونی دولت اسد دست کشیده بودند، نفوذ ایران را در عراق دیگر مثل گذشته به‌نبرد فرا نمی‌خواندند، در مصر و لیبیا و سودان نیز برای تثبیت اوضاع می‌کوشیدند و از مواجهه مستقیم اجتناب می‌ورزیدند.

پیمان ابراهیم در این میان، چون توافقتنامه قرن تبلیغ می‌شد. عنوان توافقتنامه که نام نیای مشترک اعراب و یهود بر آن گذاشته شده حکایت از رویکرد بلندپروازانه برای حل منازعه دیرینه‌ای داشت که از جنگ‌های صلیبی قرون وسطی تا امروز از پیروان سه دین مشهور ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهود) قربانی گرفته است. توافقتنامه صلح پیمان ابراهیم به‌طور نمادین بین سه کشور اسلامی (امارات متحده عرب)، عیسوی (ایالات متحده) و یهودی (اسرائیل) امضاء شده

بود ولی مبلغان، آن را آغاز حرکت تاریخی می‌خواندند که بزودی حمایت کشورهای زیادی را جلب خواهد کرد. نسخه بحرینی توافقنامه ابراهیم به تاریخ ۱۵ سپتامبر آن سال امضاء شد و از همان الگوی توافقنامه با امارات متحده عربی پیروی می‌کرد. پای هر دو توافقنامه وزیر خارجه یک کشور عربی، رئیس‌ان دولت اسرائیل و امریکا امضاء کرده بودند که حکایت از تردید عرب‌ها و تأکید امریکا و اسرائیل داشت.

خلاف توافقنامه‌های معمول عصر ما که در آن‌ها به منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مشترکات بشری استناد می‌شود، در پیمان ابراهیم سخن از خون‌شریکی اعراب و اسرائیل و مشترکات عقیدتی مسلمانان، یهودیان و عیسویان رفته بود. در آن پیمان نوشته شده بود که مردم عرب و اسرائیل فرزندان نیای مشترک شان ابراهیم اند و امضاءکنندگان توافقنامه می‌خواهند شرایط همزیستی مسلمانان، یهودیان، عیسویان و پیروان سایر ادیان را فراهم سازند. قرار بود سودان، عمان و عربستان بزودی به این پیمان بپیوندند و خاورمیانه تازه‌ای سر برآورد که به جای نفت و باروت و استبداد، خبرهای فستیوال، ورزش، آزادی و پیشرفت‌های تکنالوجیک از آن مخابره شود. در ماه‌های نزدیک به اکتوبر ۲۰۲۳، عربستان سعودی و ولیعهد عجل و بلندپروازش سرخط خبرها بودند و در کنار فستیوال‌های کمپیشینه موسیقی، مسابقات فوتبال، تعهدات سرمایه‌گذاری‌های نجومی در صنایع غیرنفتی، «پیشرفت‌های» عربستان و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با خوش‌بینی بسیار در رسانه‌ها مطرح می‌شد.

«جنگ تمدنی» و منازعات بر سر حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان و «مبارزه» با استبداد، حداقل به روایت صفحات برخی روزنامه‌های مشهور و میزهای دیپلماتیک، از خاورمیانه و افغانستان کوچیده بود و این منطقه به «نیای مشترک»، ارزش‌های دینی و سنت‌های قبیله‌ای و آگذار شده بود. در افغانستان سیاست‌های ضدبشری طالبان دیگر واکنش‌چندانی بر نمی‌انگیخت و بسته‌شدن مکاتب، تبعیضات آشکار، محاکمات صحرائی، دره‌کاری در میدان‌های ورزشی و فسخ آزادی‌های حداقلی مدنی چون انتخاب شیوه عبادت، لباس، طرح مو و طول ریش و واکنش خشم‌آلود جامعه بین‌المللی و «مدافعان» دموکراسی را در پی نداشت. در کشورهای عربی نیز دیگر از «بهار» و «قیام‌های مردمی» در برابر حاکمان غیرانتخابی و مستبد خبری نبود. در عوض «کمپاین آزادی و دموکراسی» به حاشیه‌های چین و روسیه انتقال یافته بود و قرار بود در تابان از سنگر نظام دموکراتیک با چنگ‌ودندان دفاع شود و در اکران «جهان آزاد» در برابر «دنای استبدادی» مصاف دهد.

نه پیمان ابراهیم حاصل توافق جوامع عرب با اسرائیل و امریکا بود و نه توافقنامه دوحه حاصل مذاکرات مردم افغانستان با طالبان و ناتو برای صلح بود. پیمان ابراهیم در قصر سفید امضاء شد و توافقنامه دوحه نیز در یک کشور خارجی و بدون حضور نماینده‌گان مردم یا دولت افغانستان امضاء گردید. فاجعه ۷ اکتوبر و فجایی که پس از آن اتفاق افتاد ثابت کرد که «پیمان تمدنی» را نمی‌توان مثل انشای مکتب در اتاق بسته نوشت و صلح میان پیروان ادیان ابراهیمی را با روایت غیرمدنی نژادمحور و تأکید بر نیای مشترک نمی‌توان برقرار ساخت. صلح واقعی با تأمین عدالت و مشارکت مردم میسر می‌شود. تا زمانی که حاکمان مستبد و حکومت‌های غیرانتخابی در خاورمیانه با پول نفت و تسلیحات غربی طرف اصلی مذاکره‌ها باشند و مردم این منطقه خود را محروم، فاقد رأی و آزادی، سرکوب‌شده و در خطر احساس کنند صلح در خاورمیانه برقرار نخواهد گردید.

وطن ما نیز با توافقنامه‌ای که بین یک گروه تروریستی و امریکاء امضا شده، در برزخ حاکمیت غیررسمی طالبان متوقف گردیده است و هر لحظه احتمال می‌رود فاجعه‌ای رخ دهد، رشته‌های «صلح» کاغذی پنبه شود، و چرخ جنگ دوباره به راه افتد.

در پایان امروز، ششم اکتوبر ۲۰۲۴، هنگام نوشتن این متن، وضعیت خاورمیانه چنان شکننده است که نمی‌دانیم تا فردا وقتی مقاله را می‌خوانید آتش جنگ تا کجا شعله کشیده و دامن امارات متحده عربی، بحرین و سعودی- ستاره‌های اصلی پیمان ابراهیم- را نیز گرفته است یا خیر؟

درس اتفاقات یکسال اخیر خاورمیانه برای مردم افغانستان این است که توافقنامه دوحه را مبدائی برای دور تازه تاریخ سیاسی کشور ندانیم و تصور نکنیم که طالبان برای مدت طولانی از حمایت قدرت‌های منطقه و جهان برخوردار خواهند بود، و برزخ امارتی گرفتار طوفان نخواهد شد. برای احتمال به هم خوردن این سکوت طالبانی آماده باشیم. یادآوری: این نوشته قبلا در زن تایمز نشر شده است.